

بررسی فقهی شرکت گروهی در قتل یک نفر*

دکتر محمد حسین شعبانی

استادیار دانشگاه پیام نور؛ مازندران، بهشهر

Email: shabanimh@yahoo.com

چکیده

در فقه و حقوق اسلام مسلم است که اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند ولی دم می‌تواند با رد مازاد دینه آنان، همه را قصاص کند.

قانون مجازات اسلامی ماده ۲۱۲ می‌گوید:

هرگاه دو یا چند مرد مسلمان به‌طور مشترک مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می‌تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دینه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دینه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دینه را پردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر.

برخی از فقها نسبت به این حکم تأمل نموده و معتقدند ولی دم فقط می‌تواند یک نفر از آنها را به قتل برساند و افراد باقی‌مانده به اندازه سهم جنایتشان دینه فرد قصاص شده را به خانواده او پرداخت می‌کنند (علم الهدی، مسائل الناصریات، ص ۵۳۳؛ خوانساری، ۱۳۴۴/۷).

در این مقاله، ادله طرفین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، در چنین مواردی احتیاط در خون و منع اسراف در قتل، اقتضا می‌کند که از کشتن همه آنها در صورت وجود مصلحت خودداری شود.

کلید واژه‌ها: قتل، شرکت، گروهی، فردی، قصاص، ولی دم، مازاد دینه.

مقدمه

قتل نفس از بزرگ‌ترین گناهان است و مورد نهی شدید شارع مقدس قرار گرفته است.

در روایت آمده است: نابود شدن دنیا برای خداوند آسان‌تر و بی اهمیت‌تر است از این‌که مؤمنی به ناحق کشته شود (مجلسی، بحار الأنوار، ۳۸۲/۱۰۱).

خداوند متعال کشتن انسانها را حرام کرده است. اگر کشتن انسانها جایز بود، موجب نابودی انسان و نقض و باطل شدن هدف و تدبیر آفرینش می‌شد.

مصلحت حفظ نفس یکی از بزرگ‌ترین مصلحت‌های اسلام است. برای بیان اهمیت حفظ نفس، روایتی رسیده است که می‌گوید:

نخستین چیزی که از مردم در روز قیامت مورد رسیدگی و داوری قرار می‌گیرد، خون است (مجلسی، بحار الأنوار، ۳۸۲/۱۰۱؛ حر عاملی، ۴/۱۹).

باری تعالی برای حرمت حفظ نفس انسان، کیفر قصاص را مقرر داشته است. • کیفر قصاص اگر چه اعدام و نابودی فردی از افراد جامعه است اما با توجه به نقش مهمی که در جلوگیری از قتل و خون‌ریزی و تضمین حیات جامعه دارد و نیز از منظر تقدیم منافع جامعه بر فرد باعث استمرار و بقای زندگی، ضامن حفظ و بقای نظم، امنیت و عدالت اجتماعی است.

قرآن کریم نیز عفو از قاتل و گرفتن دیه را مورد عنایت قرار داده است (بقره/۱۷۸).

طرح مسئله

در مبحث قصاص این سؤال مطرح می‌شود که در صورت شرکت گروهی در قتل یک نفر، حکم قصاص چه صورتی پیدا می‌کند؟

آیا همه شرکت‌کنندگان در قتل با رد مازاد دیه به ورثه آنها قصاص می‌شوند یا حکم قصاص در این صورت ساقط می‌شود یا یکی از قاتلان با انتخاب ولی دم

کشته می‌شود؟

این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

فقه‌ها مسئله شرکت گروهی در قتل یک تن را در مبحث قصاص مطرح کرده و در مورد آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند، متتبعاً بیشتر فقها بر این عقیده‌اند که در صورت شرکت گروهی در قتل یک تن، همه آنها قصاص می‌شوند ولی مازاد دیه، باید به ورثه آنها پرداخت شود (مفید، ۷۴۵؛ محقق حلی، ۹۷۷/۴) و برخی فقها در این زمینه ادعای اجماع کرده‌اند (ابن زهره، ۴۰۴؛ طوسی، الخلاف، ۱۵۵/۵).

در این زمینه دو دسته روایت وجود دارد. شیخ طوسی آن دسته از روایاتی را که بیانگر شرکت گروهی در قتل یک تن است و همه قاتلان آن کشته نمی‌شوند را حمل بر تقیه کرده و یا حمل بر اینکه تا مازاد دیه همه را پرداخت نکرده است، ولی دم حق قصاص ندارد (طوسی، الاستبصار، ۲۸۲/۴).

البته برخی از فقها بر این باورند که در صورت شرکت گروهی در قتل یک تن، یکی از قاتلان با انتخاب ولی دم کشته می‌شود (علم الهدی، مسائل الناصریات، ۳۹۳).

هر چند فقهای شیعه و اهل سنت در مبحث قصاص، این موضوع را مطرح کرده‌اند و در برخی از کتاب‌ها مانند «درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی»، این مسئله از نظر مذاهب خمس مورد بررسی قرار گرفته است، ولی نگارنده، به کتاب مستقل یا مقاله‌ای در این زمینه دسترسی پیدا نکرده است.

از آنجا که مبنای حکم در این موضوع روایات است، لذا مرور اجمالی آنها ضروری است.

بررسی روایات

۱- عن داود بن سرحان عن أبي عبدالله (ع) فی رجلین قتلَا رجلاً قال: إن شاء

أولياء المقتول أن يؤدوا دية ويقتلوها جميعاً قتلوهما (حرعاملی، ۲۹/۱۹).

داوود بن سرحان از امام صادق علیه السلام درباره دو مردی که مردی را کشته بودند سؤال کرد، حضرت فرمود: اگر اولیای مقتول بخواهند یک دیه کامل می‌پردازند و آن دو را می‌کشند. این روایت، صحیح است (خویی، مبانی تکملة المنهاج، ۲۴/۲).

۲- عن الفضل بن یسار قال: قلت لأبي جعفر (ع): عشرة قتلوا رجلاً قال: إن شاء أولياؤه قتلوه جميعاً و غرموا تسع ديات، وإن شاء تخيروا رجلاً فقتلوه و أدى التسعة الباقون الى اهل المقتول الأخير عشر الدية كل رجل منهم قال: ثم الوالى بعد ىلى أديهم و حبسهم (حرعاملی، ۳۰/۱۹).

فضل بن یسار نقل می‌کند که به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ده نفر مردی را کشتند، حضرت فرمود: اگر اولیای مقتول بخواهند همه آنها را می‌کشند و دیه نه نفر را پرداخت می‌کنند و اگر بخواهند یک نفر را به انتخاب می‌کشند و نه نفر باقی‌مانده به خانواده فرد قصاص شده یک دهم دیه را پرداخت می‌کنند، سپس حاکم آنها را ادب و حبس می‌کند. این روایت حسن یا موثق است (مجلسی، مرآة العقول، ۳۱/۲۴).

۳- عن ابن مسكان عن ابي عبد الله (ع) قال: إذا قتل الرجلان و الثلاثة رجلاً فان أرادوا قتلهم تراؤوا فضل الديات، فان قبل أولياؤه الدية كانت عليهما، و إلا أخذوا دية صاحبهم... (حرعاملی، ۳۰/۱۹).

ابن مسکان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: اگر دو یا سه نفر مردی را بکشند در صورتی که اولیای مقتول خواستار قتل آنها باشند، باید زیادی دیه آنها را پرداخت کنند و اگر دیه بخواهند بر آن دو نفر است که یک دیه کامل پرداخت کنند. این روایت صحیح است (مجلسی، مرآة العقول، ۳۱/۲۴؛ خوانساری، ۱۹۱/۷).

در مقابل روایات یاد شده، پاره‌ای از روایات بیانگر این است که اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، یک نفر به انتخاب ولی دم کشته می‌شود و افراد

باقی مانده به اندازه سهم جنایت خود به خانواده فرد قصاص شده، دیه می‌پردازند. برخی از این روایات در اینجا مرور می‌شود.

عن الحلبي عن أبي عبد الله (ع) في عشرة اشترى كوا في قتل رجل، قال: يَخِيرُ أَهْلُ الْمَقْتُولِ فَأَيُّهُمْ شَاؤُوا قَتَلُوا وَ يَرْجِعُ أَوْلِيَاؤُهُ عَلَى الْبَاقِينَ بِتِسْعَةِ أَعْشَارِ الدِّيَةِ (حرعاملی، ۲۹/۱۹).

حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ده تن که در قتل یک نفر شرکت داشته‌اند پرسش شد، حضرت فرمود: صاحب خون مخیر است یکی از آنها را که بخواهد بکشد و خانواده فرد قصاص شده برای گرفتن نه دهم دیه به افراد باقی مانده رجوع می‌کنند. این روایت صحیح است (مجلسی، *مرآة العقول*، ۳۰/۲۴؛ شهید ثانی، ۱۰۱/۱۵).

این روایت تصریح دارد که ولی دم می‌تواند یکی از آنها را بکشد و قسمت پایانی روایت می‌گوید: خانواده فرد قصاص شده، نه دهم دیه را از قاتلان می‌گیرد و ذکری از قتل همه نشده است و مؤید روایت ابوالعباس است؛ ولی برخی از فقها این روایت را در ردیف روایاتی که می‌گویند ولی مخیر است همه آنها را بکشد، قرار می‌دهند که این با ظاهر روایت سازگاری ندارد. به نظر می‌رسد تخییر در اینجا در مقابل گرفتن دیه و عفو است.

* این گفتار محل تأمل است چرا که حدیث یاد شده در مقام بیان عدم توانایی ولی مقتول بر قصاص جمع نیست و ظاهر آن به قول فقها نزدیک‌تر است.

۲- عن أبي العباس و غيره عن أبي عبد الله (ع) قال: إذا اجتمع العدة على قتل رجل واحد حكم الوالي أن يقتل أيهم شأوا وليس لهم أن يقتلوا أكثر من واحد، إن الله عز وجل يقول: «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل» (حرعاملی، ۳۱/۱۹).

ابوالعباس از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: اگر گروهی در

قتل یک تن شرکت داشته باشند به حکم حاکم یکی از آنها را که اولیای مقتول بخواهند می‌کشند و نمی‌توانند بیشتر از یک تن را به قتل برسانند؛ خداوند متعال می‌فرماید: کسی که مظلومانه کشته شود ما برای ولی او سلطه‌ای را [بر قاتل] قرار دادیم، پس زیاده‌روی و اسراف در قتل نکند (اسراء/۳۳).

این روایت حسن است (نجفی، ۶۸/۴۲؛ شهید ثانی، ۱۰۲/۱۵).

شیخ طوسی در تهذیب پس از نقل این حدیث می‌گوید: «این خبر منافاتی با اخباری که گذشت، ندارد. این روایت شامل کسی که خواستار قتل جماعت باشد و بخواهد دیه بقیه افراد را پرداخت کند، نمی‌شود. ظاهر خبر این نیست که وقتی دیه بقیه افراد را پرداخت کند، نتواند جماعت را در برابر یک نفر بکشد. وقتی در ظاهر روایت چنین مطلبی ذکر نشد اخباری که پیشتر آمد برای این خبر بیان محسوب می‌شوند» (طوسی، ۲۱۸/۱۰).

شیخ طوسی بین این دو دسته روایات به این صورت جمع کرده است که این خبر منافاتی ندارد با اخباری که می‌گوید ولی دم می‌تواند همه آنها را بکشد در صورتی که مازاد دیه آنها را پرداخت کند؛ چون این منع شامل کسی است که بخواهد همه قاتلان را بکشد بدون این که بخواهد مازاد دیه آنها را بپردازد.

شهید ثانی در مسالک می‌گوید: «شیخ طوسی معتقد است این روایت یا از روی تقیه صادر شده است یا منظور این است که همه را نمی‌کشند مگر بعد از این که زیادی دیه آنها را پرداخت کرده باشند و هر دو احتمال شیخ، بعید است» (شهید ثانی، ۱۰۲/۱۵). این روایت با تقیه سازگاری ندارد، چون اهل سنت جز حنابله معتقدند که گروه در قتل یک نفر کشته می‌شوند (جزیری، ۲۹۶/۵).

همچنین، استشهاد به قرآن برای اثبات حکم با تقیه مناسبت ندارد و دلیلی برای حمل بر تقیه وجود ندارد.

علاوه بر این، فقط همین یک روایت نیست که در این موضوع وارد شده است

بلکه چند روایت دیگر نیز در این مورد رسیده است (حرعاملی، ۱۹، ابواب القصاص فی النفس).

بررسی روایت ابی العباس

برخی از فقها به علت وجود قاسم بن عروه در سلسله سند این حدیث، در آن خدشه کرده‌اند.

مقدس اردبیلی در مجمع الفایده می‌گوید: «این روایت صحیح محسوب نمی‌شود، چون وثاقت قاسم ابن عروه ثابت نشده است» (اردبیلی، ۴۵۱/۱۳).
شیخ طوسی یک بار قاسم ابن عروه را از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به حساب آورده و بار دیگر او را در شمار کسانی ذکر نموده که از ائمه (ع) روایت نکرده است (ابن زین‌الدین، *تحریر الطاووسی*، ص ۴۷۹).

در مقابل، ابن داوود گفته است: «قاسم ابن عروه ابو محمد مولا ابی ایوب خزری بغدادی است که در همان جا در گذشت و ممدوح است» (ابن داوود، ۱۵۳).
از او روایات بسیاری نقل شده و یکی از مشایخ شیخ صدوق است. در ضمن، راوی از او ابن ابی عمیر است که اصحاب ما اتفاق و اجماع دارند روایتی که از طریق او نقل شده صحیح است (خویی، *معجم الرجال الحدیث*، ۳۲/۱۵).

جمع دلالی

هرگاه از نظر عرف یکی از دو دلیل معین، قرینه ای برای تصرف در دیگری یا هریک از دو دلیل قرینه ای بر تصرف در دلیل دیگری باشد به آن جمع عرفی یا جمع دلال گویند (مظفر، ۲۰۲/۲).

به نظر برخی از فقها، روایاتی که بیان‌گر کشته نشدن جمع در مقابل فرد است مطلقاً و به وسیله روایاتی که می‌گوید جمع در برابر فرد کشته می‌شود، تقیید می‌گردد. در این صورت بین دو دسته روایات جمع می‌شود و تعارضی در بین نخواهد بود (طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۲۱۸/۱۰؛ روحانی، ۷۲/۲۶).

تحلیل روایات

روایاتی که می‌گویند اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، ولی مقتول می‌تواند همه آنها را بکشد به شرطی که مازاد دیه جنایت آنها را پرداخت کند؛ اگر چه تعداد آنها بیشتر و برخی از آنها صحیح هستند ولی درین روایاتی که دلالت دارند ولی مقتول فقط یک نفر را می‌تواند بکشد نیز روایات صحیح و حسن وجود دارد، مثل صحیحه حلبی که هم با فلسفه قصاص که حفظ خون و جلوگیری از خونریزی بیشتر است، تناسب دارد و هم موافق با ظاهر قرآن است که ولی دم را از اسراف در قتل منع کرده است. علاوه براین، که آیه شریفه «النفس بالنفس» (مائده/۴۵) که به مساوات در قصاص دلالت دارد با این دسته از روایات سازگارتر است. همچنین، این روایات با احتیاط در خون نیز هم‌خوانی دارد.

علاوه بر این، به نظر برخی از اصولیان روایتی که در دلالت آن تأکید وجود دارد و متعرض علت حکم شده است بر خبر دیگر ترجیح دارد (ابن زین الدین، معالم‌الدین، ۳۲۳).

نظر فقهای شیعه در قتل گروهی

نظر مشهور فقهای شیعه این است که اگر گروهی در قتل یک تن شرکت داشته باشند، اولیای مقتول می‌توانند همه آنها را به قتل برسانند به شرطی که مازاد دیه آنها پرداخت شود و یا می‌توانند یکی از آنها را بکشند و به افراد باقی‌مانده به مقدار سهمشان، دیه فرد قصاص شده را پرداخت کنند. همچنین، اگر اولیای مقتول اخذ دیه را برگزینند قاتلان به حساب تعدادشان دیه پرداخت می‌کنند.

شیخ مفید در مقنعه می‌نویسد: «اگر دو نفر یک تن را به عمد کشته باشند، اولیای مقتول مخیر هستند بین این که هردو را به قتل برسانند و یک دیه کامل به ورثه هردو بپردازند و ورثه آن دو، دیه را بین خودشان نصف کنند و یا اینکه می‌توانند یکی از آن

دو را بکشند و دیگری، به ورثه قصاص شده نصف دیه را پرداخت می‌کند. اگر اولیای مقتول اخذ دیه را انتخاب کردند قاتلان به حساب تعدادشان دیه پرداخت می‌کنند» (مفید، ۷۴۵).

از بیان شیخ مفید روشن می‌گردد که اولیای مقتول حق قصاص همه قاتلان را دارند، ولی چون بیشتر از حق یک نفر استیفا کرده‌اند باید مازاد دیه آنان را بپردازند؛ زیرا اطلاق ادله قصاص شامل قتل گروهی هم می‌شود و بر هر یک از آنان اسم قاتل صدق می‌کند.

صاحب جواهر در این زمینه می‌نویسد:

«اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، صاحب خون مخیر است همه آنها را بکشد به شرطی که مازاد دیه آنها را رد کند. همچنین، مخیر است که بعضی را به قتل برساند و افراد باقی‌مانده دیه جنایتشان را به ورثه فرد قصاص شده می‌پردازند و ولی مقتول دیه افراد قصاص شده را پرداخت می‌کند، چون بیشتر از حق خودش استیفا کرده است. در این مسئله اختلافی نیست، بلکه اجماع محصل و منقول موجود است. علاوه براین، معلوم است که هدف از تشریع قصاص، حفظ خون است. اگر هنگام شرکت در قتل، کشتن همه لازم نباشد، قتل و خون ریزی بیشتر خواهد شد» (نجفی، ۶۶/۴۲ و ۶۷).

صاحب جواهر در قصاص گروه به‌زای قتل فرد، ادعای اجماع کرده است، ولی با توجه به روایاتی که در این زمینه رسیده است این اجماع، مدرکی است و مستند آن همان روایات است و دلیل مستقلی نخواهد بود.

این‌که ایشان گفته است اگر هنگام شرکت گروه در قتل، کشتن همه لازم نباشد قتل و خون ریزی بیشتر خواهد شد، قابل‌خدشه است، چون با کشته شدن یک فرد با انتخاب ولی دم یا با قصاص عامل اصلی، باز دارندگی حکم قصاص محفوظ می‌ماند و جلوی قتل و خون ریزی گرفته می‌شود.

این‌که اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، اولیای مقتول می‌توانند با رد مازاد دیه، همه آنها را به قتل برسانند. نظر مشهور فقهای شیعه است. (نک: طوسی النهایه، ۷۴۴، محقق حلی، ۹۷۷/۴؛ ابن‌ادریس، ۳۴۴/۳؛ شهید ثانی، *الروضة البهیة*، ۲۹/۱۰؛ علامه حلی، ۴۰۹/۹؛ طباطبائی، ۵۰۳/۲؛ خویی، *مبانی تکملة المنهاج*، ۲/۲؛ امام خمینی، ۴۶۴/۲).

قتل یک نفر با انتخاب ولی دم

برخی از فقها در صورت شرکت گروهی در قتل یک نفر بر این عقیده‌اند که فقط یک تن با انتخاب ولی دم کشته می‌شود. سید مرتضی می‌گوید:

«دو نفر در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، اگر ده نفر یک تن را بکشند به انتخاب ولی دم یک نفر کشته می‌شود و نه دهم دیه از افراد باقی‌مانده گرفته و به اولیای فرد قصاص شده، داده می‌شود. دلیل ما که گفتیم گروه در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، اجماع است. همچنین جویر از ضحاک نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود: دو نفر در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند» (علم‌الهدی، *مسائل الناصریات*، ص ۳۹۳).

سید مرتضی در این‌که گروه در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، ادعای اجماع کرده است، اما اجماع از نظر او اجماع اصطلاحی و اتفاق نظر همه فقها نیست. از نظر او اگر در یک مسئله گروهی از فقها اتفاق نظر داشته باشند و در مقابل دو یا سه نفر دیگر نظر متفاوتی ارائه کنند و ما بدانیم که قول امام با این سه نفر است، قول اینها حجت و قول بقیه فقها خطا است.

* اگر بدانیم که قول امام (ع) چیست دیگر چه نیازی به قول دیگران است؟! او در *الدریعه* می‌نویسد: «یک یا دو نفری که با نظر جماعت فقها مخالف باشند در صورتی که بدانیم که قول امام معصوم با آنان است قول آنها حق و حجت است و قول جماعت فقها خطا است» (علم‌الهدی، ۶۳۲/۲).

از دیگر فقهای که با قتل گروه در برابر یک نفر نظر موافق ندارد، محقق

خوانساری است. ایشان کشتن گروه در قتل یک نفر را خالی از اشکال نمی‌داند، چون قصاص برای حفظ حیات و جلوگیری از خونریزی وضع شده است و کشتن گروه در برابر یک نفر با مساواتی که در قصاص مد نظر است، سازگاری ندارد.

وی پس از ذکر این مطلب که اگر چند نفر یک تن را بکشند صاحب خون می‌تواند پس از رد مازاد دیه آنها همه را بکشد، می‌گوید: «ظاهر کلام فقها این است که این حکم عمومیت دارد، به طوری که اگر صد مرد یا بیشتر در قتل یک مرد شرکت داشته باشند، ولی مقتول می‌تواند همه را به قتل برساند؛ ولی این حکم خالی از اشکال نیست، زیرا حکم مذکور با ظاهر آیه شریفه «النفس بالنفس» مخالف است و ظاهراً آیه شریفه از تخصیص ابا و امتناع دارد و مشکل این حکم با دادن دیه به ورثه، جبران نمی‌شود.

علاوه بر این که این حکم مخالف با روایت معتبره ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) است» (خوانساری، ۱۹۲/۷).

نظر به این که قرآن کریم کشتن نفس را در برابر نفس جایز دانسته است و از اسراف در قتل منع کرده و شرع مقدس نیز در موضوع خون امر به احتیاط فرموده است، کشتن چند نفر در برابر یک نفر مشکل به نظر می‌رسد.

در تصریح به این که گروه به ازای قتل یک نفر کشته نمی‌شود، در روایت ابن ابی عمیر از امام صادق آمده است که: وقتی عده ای در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، به حکم حاکم یکی از آنان که ولی دم خواستار قتل او باشد کشته می‌شود و نمی‌توانند بیشتر از یک نفر را بکشند. خداوند متعال می‌فرماید: «کسی که مظلومانه کشته شود ما برای ولی او چیرگی قرار دادیم، پس در قتل اسراف نکند که اویاری داده شده است» (اسراء/۳۳)، (حرعاملی، ۳۰/۱۹).

شرکت در قتل از نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت در شرکت گروهی در قتل یک تن اتفاق نظر ندارند.

برخی معتقدند اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند در این صورت قصاص تبدیل به دیه می‌شود. این نظریه به ربیع و داوود نسبت داده شده است. عده‌ای می‌گویند: یک نفر از جماعت با انتخاب ولی دم یا قرعه قصاص می‌شود و بقیه به سهم خود دیه می‌پردازند. این نظر ابن زبیر، معاذ ابن جبل، ژهری و ابن سیرین است.

اکثر فقهای اهل سنت نیز بر این باورند که جماعت در قتل یک نفر کشته می‌شوند و مازاد دیه آنها هم برگردانده نمی‌شود (نووی، المجموع، ۳۶۹/۱۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۴۳/۳).

حنفیه می‌گویند: جماعت در برابر یک نفر کشته می‌شوند ولی اعضای چند نفر در برابر یک نفر قطع نمی‌شود، چون اگر چند نفر در برابر یک نفر کشته نشوند باعث می‌شود که مردم دسته جمعی اقدام به قتل یک نفر نمایند (ابن رشد، ۳۲۶/۲؛ سمرقندی، ۱۰۰/۳).

به نظر می‌رسد همچنان که دیگر فقها بین قصاص نفس و قصاص اعضا تفاوت قائل نشده‌اند حنفیه هم باید بین این دو تفاوت قائل نباشند. اگر اعضای چند تن برای یک نفر قطع نمی‌شود باید برای رعایت شرط مماثلت، چند نفر در مقابل یک تن نیز قصاص نشوند.

* این سخن، قیاس است.

سرخسی در مبسوط می‌نویسد: «اگر گروهی در قتل مردی با سلاح شرکت داشته باشند، قصاص آنان واجب است. از عمر به مارسیده است که گروهی را در قتل یک تن قصاص کرد و این حکم استحسان است. از نظر قیاس بر آنان قصاص لازم نیست، چون در قصاص مساوات معتبر است. طلب زیادی از متعدی ظلم است و درخواست کمتر از حق، کاستی و نقصان در حق ستم‌دیده است.

بین ده نفر و یک نفر مساوات وجود ندارد و این چیزی است که از نظر عل

بدیهی است (سرخسی، ۱۲۶/۲۶ و ۱۲۷).

چنان که ملاحظه می‌شود، سرخسی در مسئله قتل گروه در برابر فرد به فعل عمر تمسک کرده است که یک واقعه خاص بوده است، ولی اذعان می‌کند که از نظر قیاس و مساواتی که در قصاص معتبر است کشتن همه آنها لازم نیست، چون بین ده نفر و یک تن مساوات وجود ندارد در صورتی که در قصاص برابری و مساوات شرط است. حنابلہ می‌گویند: «گروه در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، چون خداوند متعال مساوات در قصاص را شرط دانسته است و بین جماعت و یک نفر تساوی وجود ندارد» (جزیری، ۲۹۶/۵).

از جمله شروط قصاص هم کفو بودن و همتایی است، مثلاً انسان حر در برابر برده قصاص نمی‌شود، دست سالم در برابر دست معیوب قصاص نمی‌شود. وقتی تفاوت در صفات مانع قصاص باشد، اختلاف در عدد به طریق اولی مانع خواهد بود. مالکیه بر این باورند که اگر چند تن در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، همه کشته می‌شوند (دسوقی، ۲۴۵/۴؛ ابوالبرکات، ۲۴۹/۴).

شافعیه معتقدند اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، ولی دم اگر بخواهد می‌تواند همه آنها را بکشد و اگر بخواهد می‌تواند برخی را قصاص کند و از برخی دیگر به مقدار سهمشان دیه بگیرد. همچنین می‌تواند از همه یک دیه دریافت. نووی در المجموع می‌نویسد: «جماعت در برابر یک نفر کشته می‌شوند به شرطی که هریک بر او جنایتی وارد کنند که اگر به تنهایی چنین جنایتی را مرتکب می‌شدند، باعث مرگ مقتول می‌شد و بر او قصاص واجب می‌آمد. اصحاب پیامبر (ص) مانند حضرت علی (ع)، عمر، ابن عباس و مغیره بن شعبه، معتقدند که گروه در برابر یک نفر کشته می‌شود.

ابن زبیر، معاذ بن جبل، زهری و ابن سیرین می‌گویند: جماعت در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند. ولی دم یکی از آنها را به قتل می‌رساند و از افراد باقی‌مانده به مقدار

سهمشان دیه می‌گیرد» (نوی، ۳۶۹/۱۸).

از بررسی کتابهای فقهی اهل سنت روشن می‌شود که آنها در این مسئله سه نظریه ارائه کرده‌اند. اکثر آنها با تمسک به فعل عمر معتقدند که اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، همه آنها کشته می‌شوند و چیزی از دیه به آنها برگردانده نمی‌شود.

گروه اندکی بر این باورند که حق قصاص ساقط می‌شود، به لحاظ این که هیچ کدام از آن گروه به تنهایی مرتکب قتل نشده‌اند و قاتل محسوب نمی‌شوند. برخی دیگر معتقدند فقط یک نفر با انتخاب ولی دم کشته می‌شود، چون هر یک از قاتلان با مقتول مساوی هستند. وقتی تفاوت در اوصاف مانع قصاص است تفاوت در عدد به طریق اولی مانع کشتن همه می‌شود.

نقد و بررسی دیدگاه اهل سنت

اکثر فقه‌های اهل سنت در این که گروه در قتل یک نفر کشته می‌شود بدون آنکه مازاد دیه آنها پرداخت شود، به روش و فعل عمر تمسک کرده‌اند که عمر پنج یا هفت نفر از اهل صنعا را به خاطر کشتن یک تن به قتل رساند (شافعی، ۲۴/۶؛ سرخسی، ۱۲۷/۲۶).

به نظر می‌رسد این حکم نوعی استحسان و در نظر گرفتن مصلحت و حکم حکومتی بوده است که به علت فحشا و پنهان کردن آن، اقدام به قتل کردند و عمر همه آنها رابه قتل رساند. اما مساواتی که در قصاص معتبر است با این حکم سازگاری ندارد.

دلایل فقها برای قتل گروه

براساس نظر مشهور فقه‌های امامیه، اگر گروهی در قتل یک تن شرکت داشته باشند همه آنها کشته می‌شوند. مهمترین دلایل این نظر عبارت است از:

- ۱- روایاتی که بیان می‌دارند اگر گروهی در قتل یک تن شرکت داشته باشند ولی دم می‌تواند با پرداخت مازاد دیه، همه را به قتل برساند، که ذکر برخی از آنها گذشت.

۲- فلسفه تشریع حکم قصاص، حفظ نفس و جلوگیری از خون ریزی بیشتر است. اگر هنگام شرکت در قتل، کشتن همه لازم نباشد منجر به قتل بیشتر خواهد شد؛ چون وقتی قاتل بداند در صورت ارتکاب قتل کشته می شود از آن خودداری می کند، ولی اگر مشارکت در قتل مانع از اجرای قصاص باشد، خود وسیله ای برای فرار از قصاص و عاملی برای ازدیاد قتل خواهد بود (ابن ادریس، ۳/۳۴۵؛ عمید زنجانی، ص ۳۰۱).

بنابراین، بهترین راه برای فرار از کشته شدن، شرکت چند نفر در قتل یک نفر است و قتل هم به آسانی صورت می گیرد، چون یک نفر می تواند در برابر یک تن مقاومت کند ولی یک نفر توان مقاومت در برابر چند نفر را ندارد.

۳- دیگر این که اسم قاتل بر همه آنها صدق می کند، پس کشتن همه جایز خواهد بود. برای حفظ نفس، مصلحت چنین اقتضا می کند که گروهی در برابر یک نفر کشته شوند (شهید ثانی، مسالک الأفهام، ۱۵/۱۰۰؛ نجفی، ۴۲/۶۶).

۴- برخی از فقها در مسئله قتل گروه در برابر فرد، ادعای اجماع کرده اند (ابن زهره، ص ۴۰۴؛ ابن ادریس، ۳/۳۴۴؛ نجفی، ۴۲/۶۶).

نقد و بررسی نظر مشهور

هر چند روایات صحیحی رسیده که گروه در برابر یک تن کشته می شوند، ولی روایت صحیح و حسن هم نقل شده است که فقط یک تن با انتخاب ولی دم کشته می شود نه بیشتر، و این روایات هم با ظاهر قرآن سازگارترند و هم با احتیاط در خون. در مورد منافات میان کشته شدن گروه در برابر فرد با فلسفه قصاص، کافی است که به فلسفه تشریع آیات قصاص نظری بیفکنیم.

مفسران درباره شأن نزول آیه قصاص نوشته اند که قصاص در جاهلیت تابع قانون مشخصی نبود، بلکه تابع زور و قدرت قبیله بود قبیله قوی تر می گفت: اگر آن قبیله یک تن از ما را بکشد ما دو یا چند تن از آنها را خواهیم کشت، اگر برده ای از

مارا بکشد ما فرد آزادی از آنها را می‌کشیم... آیه نازل شد و فرمود: «کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالنَّثَىٰ...» (بقره: ۱۷۸)؛ در مورد کشته شده‌گان بر شما مساوات واجب است شخص آزاد در برابر شخص آزاد، برده در برابر برده، زن در مقابل زن... (طباطبایی، ۶۲۱/۱؛ کاشانی، ۴۰۱/۱).

یعنی شرط اجرای قصاص مساوات و برابری است و اگر برابری نباشد قصاص صورت نمی‌گیرد. وقتی در صفات، برابری شرط باشد در تعداد رعایت آن ضروری‌تر است.

این نظر که مصلحت اقتضا می‌کند گروه در برابر یک تن کشته شود تا سبب قتل بیشتر نشود، وقتی تمام است که هیچ یک از قاتلان کشته نشوند، ولی اگر یک تن با انتخاب ولی دم، همان‌طور که در روایت آمده، یا با قرعه کشته شود، دیگر جایی برای اشکال نخواهد بود. همین که هر یک از آنها ترس از کشته شدن را داشته باشند، عاملی برای منع از ارتکاب قتل است. دیگر این که هر یک از قاتلان با مقتول برابر هستند، بنابراین با کشتن چندین تن در برابر یک نفر، برابری رعایت نشده است.

همان‌طور که یک دیه برای او پرداخت می‌گردد. این که چند نفر با یک تن برابر نیستند از بدیهیات عقلی است (علم الهدی، ۵۳۳؛ خوانساری، ۱۹۲/۶؛ سرخسی، ۱۲۶/۲۶؛ نووی، المجموع، ۳۶۹/۱۸؛ ابن رشد، ۲۳۶/۲).

در خصوص اجماع باید گفت: این اجماع به دلیل مدرکی بودن، تنها می‌تواند مؤید باشد و دلیل مستقلی محسوب نمی‌شود.

دلایل فقها برای قتل یک نفر

- ۱- روایاتی که بیانگر تخییر ولی دم در قصاص یک فرد است.
- ۲- کشتن چند نفر در برابر یک نفر، با ظاهر آیه شریفه «النفس بالنفس» سازگاری ندارد و آیه شریفه نیز از تخصیص ابا دارد (خوانساری، ۱۹۲/۷).
- ۳- شرط قصاص مماثلت و مساوات است، چنان‌که لغت قصاص به معنای

مساوات است (زییدی، ۱۳۹۹/۹).

در قصاص همان طور که برابری در صفات شرط است، برابری در تعداد نیز باید رعایت شود. با کشتن ده نفر در برابر یک نفر، مساوات رعایت نشده است.

۴- هریک از قاتلان مساوی با مقتول هستند، بنابراین چند نفر در برابر یک نفر قصاص نمی‌شود، همان طور که چند دبه گرفته نمی‌شود.

نتیجه گیری

روایاتی که بیانگر کشته شدن گروهی در برابر یک نفر است از نظر تعداد زیادتیر و از نظر سند معتبرترند و مشهور فقها نیز بر طبق آن فتوا داده‌اند. در مقابل روایاتی که بیان می‌دارد فقط یک نفر با انتخاب ولی دم کشته می‌شود، اگر چه در بین آنها روایات صحیح و حسن وجود دارد ولی به قوت روایات دسته اول نیستند. اما با عنایت به این که هدف از تشریع حکم قصاص، حفظ حیات و جلوگیری از خون‌ریزی بیشتر است و اینکه در شرع و لغت مساوات در قصاص شرط است و با توجه به آیه شریفه: «النفس بالنفس» و منع قرآن کریم از اسراف در قتل و نیز تصریح روایت به عدم جواز قتل بیش از یک نفر، قول کشتن یک نفر با انتخاب ولی دم، خالی از قوت نیست و بهتر است در ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی تجدیدنظر بشود.

منابع

قرآن کریم

ابن ادریس حلی، محمد بن احمد، *السرائر*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *سبل السلام*، مصر، شرکت مکتبه و مطبعة مصطفى البانی الحلبي واولاده، بی تا.

- ابن داود، حسن به علی، رجال ابن داود، نجف، المطبعة الحیدریة، ١٣٩٢ق.
- ابن رشد، محمد بن احمد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، تحقیق خالد عطار، دارالفکر، ١٤١٥ق.
- ابن زهره، حمزه بن علی، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق، ١٤١٧ق.
- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، تحقیق جماعتی از علما، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا
- ابو البرکات، احمد الدردیر، الشرح الکبیر، بیروت، دار احیاء الکتب العربیة، بی تا
- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفایده والبرهان فی شرح الاذهان، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا
- اردبیلی غروی، محمد بن علی، جامع الرواة، قم، مکتبة آية الله المرعشی، ١٣٢٨ق.
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٤٠٦ق.
- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٤٠٣ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٣ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ١٣٧٠ش.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران، منشورات مکتبة الاعتماد، بی تا.
- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٣٥٥ش.
- خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم، دارالهادی، ١٤٠٧ق.
- معجم الرجال الحدیث، انتشارات فرهنگ اسلامی، ١٤١٣ق.
- دسوقی، محمدبن عرفه، حاشیة الدسوقی، داراحیاء التراث العربی، بی تا
- روحانی، محمد صادق، فقه الصادق، قم، مؤسسه دارالکتب، ١٤١٢ق.
- زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٤ق.

- سرخسی، شمس الدین، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
- سمرقندی، علاء الدین، *تحفة الفقهاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- شافعی، محمد بن ادریس، *لام*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، *الروضه البهیة*، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ق.
- _____، *مسالك الافهام*، مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ابن زین الدین، صاحب معالم، حسن، تحقیق فاضل جوهری، قم، مکتب آیه الله المرعشی، بی تا
- _____، *معالم الدین*، با شرح اعتمادی، قم، مکتبه مصطفوی، ۱۳۳۷ق.
- طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۶ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- _____، *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
- _____، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا
- _____، *الخلاف*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- علم الهدی، علی بن حسین، *مسائل الناصریات*، تهران، رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- _____، *الذریعة الى اصول الشریعة*، تحقیق ابوالقاسم گرگی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش.
- عمید زنجانی، عباس علی، *درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲ش.
- کاشانی، ملا فتح الله، *منهج الصادقین*، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۷ش.

مجلسی، محمد باقر، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.

_____، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق.

مظفر، محمد رضا، *اصول فقه*، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ق.

منصور، جهانگیر، *قانون مجازات اسلامی*، تهران، نشر دیدار، ۱۳۸۴ ش.

مفید، محمد بن نعمان، *المقننه*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین، ۱۴۱۷ ق.

نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.

نووی، یحیی بن شرف، *المجموع فی شرح المذهب*، دارالفکر، بی تا.

_____، *روضة الطالبین*، تحقیق عادل احمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.